

## قرآن؛ معجزه لفظی و معنائی

قرآن معجزه است؛ یعنی لفظ و محتوایش از سوی خداوند فرستاده شده و به عنوان معجزه دریافت شده است. پس الفاظ قرآن نیز از خداوند است نه از پیامبر(ص)؛ چرا که اگر قرآن کتاب الهی خاص و معجزه اوست و معادله پیامبر(ص) الفاظ را گفته باشد، این دیگر کتاب الله نیست؛ بلکه کتاب آن است که الفاظ، حروف، کلمات، جمله و صور آن با همین وضع نازل شده باشد.

بنابراین برای پیغمبر(ص) به نحو سالبه کلیه هیچ سهمی نیست مگر دریافت و تلقی و نقل آن؛ یعنی همان را که شنیده و حفظ کرده و خوانده را نقل کند. از این رو در قرآن سخن از آفره یا قل است؛ یعنی همان را تلاوت کن.
دیگر آنکه خداوند می‌فرماید: لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَیْ اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْاٰنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ اِکْثَرِ حِجْرٍ و انس جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند نمی‌توانند مثل آن را بیاورند.(اسراء، آیه ۸۸)

این انس شامل همه پیامبران و حتی محمد (ص) می‌شود و اگر نبود این وحی الهی او هم ناتوان بود این را بداند و بخواند؛ زیرا او هم بشری چون دیگران است که این وحی، او را مجزا ساخته است: اِنَّمَا اَنْتَ نَسْرٌ مِّمَّنْکُمْ یُوْحٰی اِلَیْ(کهف، آیه ۱۰)

پس همان‌طوری که معنای قرآن برای ذات اقدس الهی است، الفاظ، حروف، کلمات، جمله‌ها و در یک کلمه همه حقیقت قرآن لفظاً و معنا برای ذات اقدس الهی است و وجود مبارک حضرت(ص) آن را شنید و نقل کرد. از این روست که معجزه الهی است.

البته در احادیث قدسی نیز حتی ممکن است مانند قرآن لفظ و معنا نازل شده باشد و تنها تفاوت این است که لفظ آن معجزه نیست؛ همان‌طوری که تورات و انجیل لفظ و معنایش از سوی خداوند نازل شده ولی لفظش معجزه نیست.

پس قرآن کتابی است که الفاظ احادیث قدسی برای ذات اقدس الهی است، قهرأ حدیث قدسی نظیر تورات و انجیل و صُخِّف ابراهیم(ع) خواهد بود که این الفاظ از خداست، ولی معجزه نیست؛ یعنی خدای سبحان این الفاظ را معجزه قرار نداده است؛ چرا که آنها هم کتاب بودند. درباره انجیل آمده است: اَتَاتِیَ الْکِتٰبَ (مریم، آیه ۳۰)

بنابراین، گاهی معنا و امور غیبی معجزه است ولی لفظ، آن را همراهی نمی‌کند؛ نظیر آنچه برای تورات، انجیل، صحف ابراهیم (ع) و حتی برای حدیث قدسی است؛ ولی گاهی چنین نیست؛ یعنی گذشته از اینکه معانی آن برای خدای سبحان است، الفاظ هم معجزه‌گونه القا می‌شود که این نحوه از انزال کتب الهی و آسمانی، مخصوص قرآن کریم است.

## نزدیک‌ترین دشمن

- محمد مهدی رشادتی**

حضرت علی(ع) فرمود: نفسک اقرب اعدائک الیک- نفس تو نزدیک‌ترین دشمن تو نسبت به خود است. (غررالحکم ج۲ ص ۴۹۸)
انسان دشمنان متعددی دارد. علاوه بر انسان‌های بد که به دنبال فریب دیگران هستند، باسابقه‌ترین دشمن آدمی ابلیس و شیطان‌هایی از گروه جنیان هستند. شیطان از طریق هوای نفس در انسان نفوذ می‌کند. لذا موجودی است مستقل از هوای نفس اما مستقل از هوای نفس نمی‌تواند کاری بر ضد انسان انجام دهد. یعنی شیطان‌ها استقلال وجود دارند اما استقلال عملی ندارند.(انسان‌سازی در قرآن ص ۱۱۲) بر اساس تعالیم قرآن دشمنی نفس از دشمنی شیطان‌هاشکندنده‌تر و نیرومندتر است. زیرا در آیه ۵۲ سوره یوسف می‌فرماید: ان النفس لاماراه بالسوء- با صیغه مبالغه و چند گونه تاکید می‌گوید: همانا نفس بسیار بسیار به بدی فرمان می‌دهد. اما درباره شیطان با صیغه مضارع می‌گوید: همانا شیطان به بدی و فحشا امر می‌کند. (بقره ۱۶۹) و در آیه ۷۶ نساء، کید و نیرنگ شیطان را ضعیف معرفی می‌کند. آن کید الشیطان کان ضعیفاً. ضمن اینکه در بسیاری از آیات قرآن از شیطان به عنوان دشمنی آشکار (عدو مبین) یاد می‌فرماید. در حالی که دشواری نفس در پنهان بودن و درونی بودن آن است.

حضرت در فرساز دیگری می‌فرماید: نفس تو دشمنی در حال جنگ و مخالفی آماده یورش است. اگر از آن غافل شوی تو را به قتل می‌رساند. (غررالحکم، همان) و نیز فرمود: دشمنی برای انسان بدتر از نفس او نیست و به همین دلیل با ارزش‌ترین جهاد و مبارزه، جهاد با نفس است. (همان ص ۵۱-۵۰) و به همین دلیل با ارزش‌ترین جهاد و مبارزه، جهاد با دشمنی بدخواه‌تر نبود تو را از خویشتن

زهروا غافل مباش از دیو نفس راهزن

نفس شیطانی است از شیطان نیاید کار راست

نفس او بی‌نیست و به همین دلیل با ارزش‌ترین جهاد و مبارزه، جهاد با دشمنی بدخواه‌تر نبود تو را از خویشتن

زهروا غافل مباش از دیو نفس راهزن

نفس شیطانی است از شیطان نیاید کار راست

معارف حق چیست؟ فرمود:
معرفت نفس.
گفت: راه موافقت با حق چیست؟ فرمود: مخالفت با نفس.
گفت: راه تحصیل خشنودی حق چیست؟ فرمود: ناخشنود کردن نفس.
گفت: راه اطاعت از حق چیست؟ فرمود: سرپیچی از هوای نفس.
گفت: راه ذکر و یاد کردن نفس؟ فرمود: فراموش کردن نفس.
گفت: راه نزدیک شدن به حق چیست؟ فرمود: دوری از نفس.
گفت: راه انس با حق چیست؟ فرمود: وحشت و کناره‌گیری از نفس.
گفت: راه دستیابی به اینها چیست؟ فرمود: باری خواستن از حق برای تسلط بر نفس. (درس‌هایی از اخلاق ص ۵۲)
امام صادق(ع) فرمود: پیامبر(ص) لشکری را برای جنگ فرستاد. وقتی بر گشتند فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچک را بجا آورند و بر آنها جهاد بزرگ تر به جا ماند. گفتند: جهاد بزرگ کدام است؟ فرمود: جهاد با نفس است. (چهل حدیث ص ۴)

ای شهن کشتیم ما خصم برون

ماند خصمی زو بتر در اندرون (دفتر ۱-۱۲۷۳)

مادر بت‌ها بت نفس شمامست

ز آنکه آن بت مار و این بت ازدهاست (-۲۲۲دفتر ۱)

میاهدت پوریای ولی

پوریای ولی که سرآمد پهلوانان بود قرار شد روز جمعه با پهلوان بزرگ شهر اصفهان کشتی بگیرد. شنب جمعه پیرزنی را دید جا حلاو خیرات می‌کند و با لحنی التماس گونه می‌گوید: دعا کنید خدا حاجت مرا بدهد. پوریا گفت: حاجت چیست؟ گفت: پسرم فردا قرار است با پوریای ولی کشتی بگیرد. او نان اور من و زن و فرزند و تعدادی از فامیل است. می‌ترسم با شکست او حقوق ما هم قطع شود و در زندگی دچار مشکل گردیم. پوریا تصمیم گرفت به جای آنکه پشت پهلوان را به خاک برساند، پشت نفس خود را به خاک اندازد. وی با بیان اینکه از حریف نیرومندتر بود اما به نحوی مبارزه کرد و زمین خورد که همه گردن کردند حریف قوی تر است. نوشتند: در همان وقت احساس کرد که قلبش را خدای متعال ببار نمود. گویی ملوک را با قلب خود می‌بیند. چرا؟ برای اینکه یک لحظه جهاد با نفس کرد. بعد این مرد از اولیاءالله شد. المجاهد من جاهد نفسه. امروز قیرش در گیلان زیارتگاه امام دل است. (حکایت‌ها و هدایت‌ها ص ۲۲۵ و عبرت‌آموز ص ۸۲)

موسسه کیهان در ماه مبارک رمضان به روال هر ساله محفل

انس با قرآن را برای کارکنان خود برگزار می‌کند و در آن از قاریان برجسته داخلی و مصری برای تلاوت آیات قرآن دعوت می‌کند اما ماه رمضان امسال در نماز خانه موسسه کیهان حال و هوای دیگری حاکم بود و آن حضور یکی از قاریان برجسته و محبوب در میان ایرانیان یعنی شیخ سیدمتولی عبدالعال بود که برای نخستین بار با حضور در موسسه کیهان به تلاوت قرآن پرداخت.

استاد سیدمتولی عبدالعال را باید از قاریان طراز اول وپیشکسوت کشور مصر به شمار آورد که با سبک و شیوه‌ای منحصر به فرد در تلاوت قرآن، راهی را که استاد محمدصدیق منشاوی در تلاوت قرآن پیموده، طی کرده است و آن سبک حزین خوانی در تلاوت است.

سیدمتولی متولد ۱۹۴۷ شهر قافوس مصر، در خانواده‌ای علاقه‌مند و پاینده به آموزه‌های عرفانی و دینی رشد و نمو کرد، مادرش که محب عرفا و صوفیه بود از همان آغاز نام سید را که متعلق به یکی از عرفا و صوفیه بزرگ مصر «سیداحمد البدوی» بود بر فرزندش نهاد تا او نیز در این راه گام نهد.

اوج شهرت استاد سیدمتولی به واسطه تلاوت‌های بسیار

### معارف Maaref@Kayhan.ir

\* شما تا حال با امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای دیداری هم داشتید؟

- من سال ۷۰ به ایران آمدم. آقای خمینی آن زمان به رحمت خدا رفته بود اما به خدمت آقای سیدعلی خامنه‌ای رسیدیم و ایشان به گرمی و با تواضع از ما استقبال کردند و ما را مورد لطف قرار دادند. من چندین بار در حسینیه خدمت ایشان رسیدم.

\* با توجه به تبلیغات مسموم دشمنان علیه شیعیان، از تباط

مردم ایران با قرآن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

- قرآن همان قرآن است و هیچ تبدیل و تغییری در آن نیست: «لتبديل لکلمات الله» من در ایران هیچ تفاوتی در قرآن ندیدم. کلام خدا واحد است و مذاهب هر چه باشند تبدیل و تغییری در کلام خدا نخواهد بود.

\* سطح تلاوت قاریان ایرانی را از لحاظ فنی و صوت و لحن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- در زمینه حفظ قرآن، پیشرفت خوبی مشاهده می‌شود. با بسیاری از قاریان قرآن ایرانی ملاقات داشتم. در لبنان قاریان خوبی چون سعید طوسی و سلیمی را دیدم که تلاوت استواری داشتند و صداهایشان خوب

**گفت‌وگوی اختصاصی کیهان با فاری برجسته مصری، شیخ سیدمتولی عبدالعال**

# شکوه تلاوت با نغمه‌ای حزین

■ گفت‌وگو: مهرداد آزاد



بود. سال به سال در حفظ قرآن و آموزش قرآن و بروز استعدادهای قرآنی در زمینه صوت و لحن پیشرفت دیده می‌شود. سطح این قاریان در سطح جهانی است و من چند ماه پیش در هند بودم، همراه من یک قاری ایرانی بود که نامش مادم نیست او در مجالس و محافل آنجا قرآن را خیلی خوب و بدیع تلاوت می‌کرد و از لحاظ صوت و تلاوت بسیار خوب بود. اما مهم ترین نکته‌ای که قاری باید مراعات کند اینکه باید با احکام تلاوت بخوبی آشنا باشد، اگر طبق این احکام و قواعد تلاوت نکند قاری خوبی نخواهد بود هر چند صدای خوبی هم داشته باشد و هیچ ارزشی ندارد و محل تلاوت است. شیخ محمدجین جزری آیات خوبی در زمینه رعایت تجوید و احکام قرائت دارد که قاری باید به آنها توجه کند. کسی که در محافل می‌خواند بایستی احکام تلاوت را که روایت حفص از عاصم است بیاموزد و به کار ببرد در غیر این صورت تلاوت خوبی نخواهد داشت و هرگز تلاوت او مورد استقبال قرار نخواهد گرفت.

\* توصیه شما به قاریان باسابقه و حرفه‌ای و نیز حافظان چیست؟

- قاری قرآن بایستی دالما به قرآن مراجعه کند تا فراموش نکند هر قاری یا حافظ روزی باید حداقل دو جزء یا یک جزء و نیم یا یک جزء بر حسب وقت خود، بخواند تا حفظیاش فراموش نشود و روزانه باید سیمه هر روز را بخواند.

### \* فرق است بین قاری حرفه‌ای و علاقه مند به تلاوت. قاری حرفه‌ای باید حافظ کل قرآن باشد اما آن کسی که علاقه دارد قرآن تلاوت کند لزوماً باید احکام تلاوت را بداند تا آن جاهایی را که می‌خواهد بخواند خوب بشناسد و جایگاه‌های وقف و ابتدا را بداند.

\* ما از صحبت‌های شما این طور استنباط می‌کنیم که یک قاری حتماً باید یک حافظ هم باشد این طور نیست؟

- یک قاری که به محافل و مجالس دعوت می‌شود تا قرآن بخواند باید یک حافظ باشد حالا جوانانی که علاقه به تلاوت دارند و دوست دارند بخوانند لزوماً نیابستی حافظ کل باشند بلکه قسمتهایی از قرآن را حفظ کنند چون علاقه آنان به تلاوت است آنها یک قاری حرفه‌ای نیستند. چون فرق است بین قاری حرفه‌ای و علاقه مند به تلاوت. قاری حرفه‌ای باید حافظ کل قرآن باشد اما آن کسی که علاقه دارد قرآن بخواند لزوماً باید احکام تلاوت را بداند تا آن جاهایی را که می‌خواهد بخواند خوب بشناسد و جایگاه‌های وقف و ابتدا را بداند.

\* انس با قرآن چه برکاتی برای شما در زندگی تان داشته است؟

- خداوند ما را با قرآن گرامی داشته و با قرآن به خانه‌ها و فرزندانمان برکت داده است الحمدلله همگی اینها از برکت قرآن است و فرزندانمان نیز به برکت قرآن صالح شده‌اند من دو پسر دارم و شش دختر و الحمدلله یک پسرم دکتر صلاح پزشکی متخصص داخلی و اطفال است و حافظ کل قرآن است و قرآن را با امانت می‌خواند.

پسر بزرگ ترم دامپزشک است و در قطر کار می‌کند. دخترانم هم همگی در دانشگاه تحصیل کرده‌اند و قرآن را حفظ هستند و آنان ازواج کرده‌اند و خدا به آنها فرزندان و ذریه صالحی داده است که همه اینها به برکت قرآن بوده است.

### \* قاری اگر بتواند برای خود یک سبک خاص تلاوت بر حسب صوت و لحن خود انتخاب کند بهتر است چون هر صوتی طنین و آوای خاص خود را دارد و خداوند اصوات را گوناگون آفریده و او به همه چیز توانا است و وقتی یک کاری با صوت و طنین آوایی خاص خود قرآن تلاوت می‌کند زیباتر و متین‌تر می‌شود و به واسطه صوت و آوای مخصوص خود در نظر مردم شناخته می‌شود.

\* توصیه شما به جوانانی که می‌خواهند وارد عرصه تلاوت شوند چیست؟

توصیه من به حافظان قرآن و کسانی که می‌خواهند قاری قرآن شوند این است در قدم اول اقدام به حفظ قرآن و آموختن احکام و قواعد تلاوت کنند چون این، اصل و اساس قرآن است.

یک قاری باید حتماً قواعد وقف و ابتدا را بشناسد، باید یکدیگر و فهم کند تا در معانی قرآن خلل وارد نشود. در این‌باره کتاب التحفه الجزریه درمورد احکام تلاوت به روایت حفصی ازعاصم منبع خوبی است. قاری قرآن باید احکام تجوید و تلاوت را از معلم و استاد بیاموزد و آن را تلقی می‌کند زیباتر و متین‌تر می‌شود و به واسطه صوت و آوای مخصوص خود در نظر مردم شناخته می‌شود.

\* اولین بار که به ایران سفر کردیدی کی بود و استقبال مردم را چطور دیدید؟

من در سال ۱۹۹۲ (اواخر سال ۷۰شمسی) به همراه مرحوم شیخ شحات انور به جمهوری اسلامی ایران سفر کردم و در مدت ۲۷روز با سفر به تمام استان‌های ایران به تلاوت قرآن در محافل و مجالس پرداختم. مشاوره‌الله استقبال و عشق به قرآن و اهل قرآن، طوفان‌العاده و خارج از تصور ما بود و ما به این امر افتخار می‌کردیم. من به صراحت بگویم چراغ استقبال و گرمی را تصور نمی‌کردم و عشق به قرآن و اهل قرآن ماقوق توصیف بود و این ذهنم بار من است که به ایران سفر می‌کنم.

\* بیشترین سفرهای شما به کدام کشورها بود؟

- به پاکستان ۱۰ بار، ایران ۱۰ بار، لبنان نزدیک ۱۰ بار، ترکیه بیش از ۵ بار و عراق ۴ بار سفر کرده‌ام.

\* چرا در شرایط کنونی مصر، از ستارگان نسل گذشته در تلاوت همچون منشاوی، عبدالباسط، رفعت و... خبری نیست؟
- یک بار از استاد شعیبش در رادیو مصر سؤال کردند که چرا در مصر استعدادهای جدید و ستارگان جدید ظهور نمی‌کند فرمود: چون صداها آلوده شده است همان طور که محیطزیست آلوده شده.

\* وضعیت تعلیم و تحفیظ قرآن در جامعه امروز مصر چگونه است و اقبال جوانان مصری در دوره‌های اخیر تا چه حد بوده؟

- روند تعلیم قرآن به همان شکل سابق است. مکتب‌خانه‌ها و حلقات حفظ قرآن در شهرها و مساجد برقرار است و حافظان بسیار زیادی هم وجود دارد اما عجیب است که بزرگان و استادداها و ستارگان گذشته دیگر وجود ندارد و اقبال جوانان بسیار بسیار زیاد است و تعلیم و حفظ قرآن فراوان در جریان است.

\* به نظر شما بهترین زمان برای تمرین تلاوت با صوت و لحن چه موقعی است؟

### \* کسی که در محافل می‌خواند بایستی احکام تلاوت را که روایت حفص از عاصم است بیاموزد و به کار ببرد در غیر این صورت تلاوت خوبی نخواهد داشت و هرگز تلاوت او مورد استقبال قرار نخواهد گرفت.

- بهترین زمان تمرین تلاوت، در محافل و مجالس قرآن است و تمرین در تنهایی و خلوت تمرین نیست بلکه در محافل است که قاری می‌تواند به خوبی تمرین کند. البته وقت مناسب، صبح زود است که قاری باید عادت کند صبح اول وقت از خواب برخیزد و قبل از طلوع آفتاب، حفظ آیات قرآن را مرور کند.

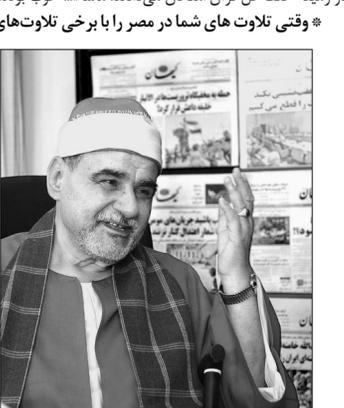
\* آیا در نظر دارید در مورد زندگی قرآنی و تجربیاتتان در این‌باره کتابی منتشر کنید؟

- کتابی در مصر منتشر شده از احمد حامم با عنوان «سفره القرآن» که اختصاص به شرح زندگانی اغلب قراء دارد، شرح حال من نیز در حد ۴ صفحه در این کتاب آمده است. غیر از این، نوارهای تلاوت من در سراسر جهان وجود دارد و این خود تاریخ و تجربه است و کسانی که می‌خواهند از این تجربیات استفاده کنند و راه و روش تلاوت را بیاموزند می‌توانند به این نوارها و برنامه های ضبط شده مراجعه کنند.

\* حرکت ایران به سمت قرآن پس از انقلاب را چطور ارزیابی می‌کنید؟

- بسیار بسیار خوب بوده، نهضت بزرگی در زمینه آموزش قرآن کریم به وجود آمده و استادداها و نخبه های قرآنی زیادی وجود دارد. من کودکان ۸ و ۹ ساله ایرانی را در لبنان می‌دیدم که با ما بودند و در زمینه حفظ کل قرآن امتحان می‌دادند. ماشاء... خوب بودند.

\* وقتی تلاوت های شما در مصر را بر برخی تلاوت‌های اماکن



دیگر در سایر کشورها مقایسه می‌کنیم متوجه می‌شویم برخی از تلاوت‌هایتان خصوصاً آن تعداد که در مصر ضبط کرده‌اید مانند سوره شوری و کشر و سوره مریم از حلاوت و دلنشینی خاصی برخوردارند فکر می‌کنید علت این امر چیست؟

- من ۲۲ نوار در ۲۲ ساعت در استودیوهای رادیو مصر ضبط کرده‌ام، در این تلاوت‌ها شیخ «رزق خیرحبه» عضو (انجمن قاریان مصر) نیز حضور می‌یافت. به نظر من علت این تمها الهام خدایی است و انسان هیچ نقشی در آن ندارد توفیق و موفقیت و دلنشینی کار همه از جانب خداست. این به زرنگی و نقش فرد بستگی ندارد

\* شما با یک قاریان معروف و ستارگان عالم تلاوت مصر حشر و نشر داشتید؟

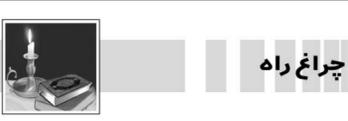
- چنان که عرض کردم در سال ۷۰ من به اتفاق شیخ شحات انور به ایران سفر کردم. ایشان بسیار خوش مصاحبت بودند و نسبت به همه ادب و احترام نشان می‌دادند. او را حقیقتاً خیلی دوست داشتم. ما در مصر در مناسبت‌های مختلف در محافل زیادی به تلاوت می‌پرداختیم. با شیخ عبدالباسط فقط یک بار ملاقات کردم و واقعا قله تواضع و اخلاق والا بود و الگویی نیک به شمار می‌رفت همچنین با شیخ علی‌النبی نیز ملاقات داشتم.شیخ ابوالعینین شعیبش را بسیار دوست داشتم و در مصر با او ملاقات می‌کردم با شیخ طبلاری در مناسبت‌های زیادی در مراسم شب‌های تلاوت در مصر دیدار داشتم و برادر و همکار خیلی خوبی بود. او را بسیار دوست می‌داشتم او هم مرا زیاد دوست می‌داشت. اما توفیق دیدار شیخ مصطفی اسماعیل را نداشتم در حقیقت قاریان برجسته و پیشکسوت مصری همگی الگوی نیکی برای اهل قرآن و برای مردم بودند و درس‌های زیادی از آنها آموختم.ایم خداوند همه‌شان را رحمت کند.همچنین شیخ رافع مصطفی غلوش را هم گاهی ملاقات می‌کنم. او همچنان در برخی مساجد، قرآن صحیگاهی رادیو مصر را تلاوت می‌کند. روزهای جمعه نیز تلاوت دارد.

- چنان که عرض کردم در سال ۷۰ من به اتفاق شیخ شحات انور به ایران سفر کردم. ایشان بسیار خوش مصاحبت بودند و نسبت به همه ادب و احترام نشان می‌دادند. او را حقیقتاً خیلی دوست داشتم. ما در مصر در مناسبت‌های مختلف در محافل زیادی به تلاوت می‌پرداختیم. با شیخ عبدالباسط فقط یک بار ملاقات کردم و واقعا قله تواضع و اخلاق والا بود و الگویی نیک به شمار می‌رفت همچنین با شیخ علی‌النبی نیز ملاقات داشتم.شیخ ابوالعینین شعیبش را بسیار دوست داشتم و در مصر با او ملاقات می‌کردم با شیخ طبلاری در مناسبت‌های زیادی در مراسم شب‌های تلاوت در مصر دیدار داشتم و برادر و همکار خیلی خوبی بود. او را بسیار دوست می‌داشتم او هم مرا زیاد دوست می‌داشت. اما توفیق دیدار شیخ مصطفی اسماعیل را نداشتم در حقیقت قاریان برجسته و پیشکسوت مصری همگی الگوی نیکی برای اهل قرآن و برای مردم بودند و درس‌های زیادی از آنها آموختم.ایم خداوند همه‌شان را رحمت کند.همچنین شیخ رافع مصطفی غلوش را هم گاهی ملاقات می‌کنم. او همچنان در برخی مساجد، قرآن صحیگاهی رادیو مصر را تلاوت می‌کند. روزهای جمعه نیز تلاوت دارد.

\* در پایان اگر صحبت و توصیه‌ای دارید بفرمایید؟

- قاری قرآن اگر احساس عجز و تواضع و خشوع در برابر خداوند نداشته باشد نمی‌تواند در کار تلاوت توفیق و استمرار داشته باشد. کسی که قرآن می‌خواند باید آن را با خشوع و تدبر بخواند و اگر با معانی و تفسیر آن آشنا نباشد حداقل آن را بخرد و خشوع بخواند و به اوامر خدا عمل کند. ما همگی در خدمت قرآن هستیم و هیچ کار مهمی جز قرآن در زندگی ما نیست. قرآن قانون آسانی و چراغ و روشنگر زندگی و مال و ثروت ما و در یک کلام همه چیز ماست.

صفحه ۶
پنج شنبه ۲ مرداد ۱۳۹۳
۲۶ رمضان ۱۴۳۵ - شماره ۲۰۸۳۱



### چراغ راه

### اختصاصی بودن روزه و پاداش آن

عن ابی جعفر(ع) قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: قال

الله عزوجل: «لصوم لی و انا اجزی به»

از امام باقر(ع) نقل شده که پیامبر خدا(ص) فرمود: خداوند فرموده است: روزه اختصاص به من دارد و من خود پاداش آن را می‌دهم.۱

۱-المحجه البیضاء، ج ۲، ص ۱۲۳



### حکایت خوبان

### نمونه یک دیوانه واقعی

پیامبر اکرم(ص) از محلی عبورمی‌کردند، دیدند دست‌های اطراف یک نفر را گرفته‌اند. پیغمبر فرمودند چه خبر است؟ گفتند: یا رسول‌الله! دیوانه است. حضرت فرمودند این دیوانه نیست و مریض است و روکش

نمی‌تواند به مغز فرمان دهد و مریض شده است. اگر رگ ذره بینی او درست‌ست شود، دیوانگی او هم درست می‌شود و عاقل می‌شود. بعد پیامبر گرامی(ص) فرمودند: می‌خواهید یک دیوانه به شما نشان بدهم؟ دیوانه

کسی است که در کوچه با طرز راه‌رفتنش، مردم را به خود جلب می‌کند. این دیوانه و بی‌شخصیت است.۱)

۱- الخصال، ج ۱، ص ۳۳۲



### رابطه شأن نزول با تفسیر آیات

پرسش: آیا در تفسیر قرآن کریم، دانستن شأن نزول

الزامی است؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال، ضمن تأکید بر این نکته که مفهوم آیات قرآن لزوماً اختصاص به شأن نزول ندارد به ذکر یک نکته درباره شأن نزول و ارتباط خاص آن با مصداق آیه اشاره کردیم.
اینک در بخش پایانی دنباله‌مطلب را بی می‌گیریم.

۲. گاهی آیات در بیان فضائل است، ولی فضائل منحصر است در مورد شخصیتی که فقط در شأن نزول وجود دارد، مثل آیهٔ میابله، [۱] آیهٔ لبیله‌المیبت[۲] و آیات دیگر، در آیه میابله فقط از

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - به عنوان نفس و جان پیامبر - صلی الله علیه و آله - (افسنسا) یاد شده، که در تمام جهات به جز مقام نبوت و افضلیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - بر همه کس در جهات دیگر همانند او است. از سوی دیگری می‌دانیم پیامبر - صلی الله علیه و آله - از همهٔ انبیاء افضل بود، پس علی - علیه السلام - نیز می‌باید افضل باشد.

۳. گاهی آیه در بیان شأن عظمت و فضیلت مؤمنان است که هر کس دارای آن صفت باشد از مصادیق آن فضیلت می‌باشد و آن فضیلت مصداقش محدود در فردی نیست، ولی بین مصداق‌هایش درجه‌بندی است و بعضی از شخصیت‌ها از مصداق‌های برتر و

افضل و اعلاّی آن فضیلت می‌باشند؛ به عنوان مثال در بعضی از روایات وارد شده که در هر کجای قرآن که جمله «الذّین آمنوا»، آمده، امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - از جهت مصداق بالاترین و بافضیلت‌ترین افراد آن می‌باشد، بنابراین در این آیه نیز باید شأن نزول بیان شود، تا آن مصداق اعظم شناخته شود.

۴. گاهی آیه در بیان مذمت افرادی از منافقین وارد شده، که مصداق اعظم آن در شأن نزول بیان شده تا این افراد در جامعه شناخته و معرفی شوند و موجب اختلاف در جامعه نگردند؛ به عنوان مثال آیاتی که در مذمت افرادی که از جنگ احد فرارکرده‌اند، قرآن کریم آنها را لعنت کرده،[۳] و به مردم معرفی نموده است.

۵. آیاتی که در مورد بعضی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله - نازل شده و از آنها شدیداً انتقاد کرده است و آنها را منافق معرفی کرده است و حتی انتساب آنها را به پیامبر - صلی الله علیه و آله - نفی کرده است، لذا باید شأن نزول این آیات بیان شود، تا این جنبه به مردم معرفی شود و موجب گمراهی مردم قرار نگیرند؛ زیرا صحابی بودن ملاک عدالت و پاکی و الگو بودن نیست البته لازم به ذکر است که آنچه بیان شد همهٔ مطلب دربارهٔ لزوم شأن نزول نیست بلکه به طور خلاصه باید گفت: در همه جا شأن نزول موجب تخصیص آیه نمی‌شود در همه جا مصداقی که در مفهوم آیه است نمی‌توان گفت منحصر در شأن نزول آیه است، بلکه ممکن است مصداق‌های متعدد داشته باشد که در مفهوم با هم مساوی نباشند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. علوم قرآنی، محمد امام معرفت، انتشارات التمهید.

۲. تاریخ قرآن، همان، انتشارات سمت.

۳. تاریخ قرآن، سعید محمد باقر حجتی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[۱]. آل عمران/ ۶۱

[۲]. بقره/ ۲۰۷.

[۳]. آل عمران/ ۱۵۵.

### سلوک عارفانه

## مراتب تفویض سالک

(بدان ای سالک راه حق!) تفویض از توکل از لحاظ معنی وسیع‌تر و از لحاظ اشاره لطیف‌تر و بر سه درجه است:
درجه اول از تفویض آن است که سالک بر نیت و قصد خود تکلیه نکند. از مکر حق متعال ایمن و از یاری او مأیوس نباشد.

بدان اگر حق متعال به او قدرت ندهد بر هیچ عملی قادر نیست. بداند تفویض با مشاهده اضطراب است. سالک مضطرب، درجه دوم تفویض با مشاهده اضطراب است. سالک مضطرب، می‌بیند که عمل او نجات‌دهنده او و گناه او هلاک‌کننده او نیست.

هیچ عملی منتهی و هیچ گناهی هالک نیست و سبک موجب اشغال کسی نمی‌گردد. مسبب است که امور به ید قدرت لایزالی اوست. در درجه سوم، تفویض با مشاهده انفراد حق متعال است در حکم، امر حق متعال است، و درمی‌یابد که انصاف از جمع به تفرقه یا از تفرقه به جمع به اراده ذات کبریایی الهی است. این درجه از تفویض حد اعلاّی تفویض است، سالک وقتی به شهود درمی‌یابد که بود

و نبود در تحت امر «کن فیکون» است و جز ذات اقدس الهی در عالم حاکم و موثری نیست و موجودات محکوم به حکم مأمور به امر هستند، اراده از او سلط و تفویض خود به‌خود صورت می‌گیرد.

این تفویض اضطرابی و قهّری است در مقام کمال حاصل است. مقامات معنوی، محسن بیبا، ج ۲، ص ۲۰